

بررسی رابطه میان مهارت‌های اجتماعی و اعتماد به نفس در دختران فراری

دکتر محمد رضا ایروانی^۱

جعفر ابراهیمی^۲

چکیده

فرار از خانه از جمله رفتارهای ناسازگارانه نوجوانان است و با توجه به پیامدهای سوء آن یکی از آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی جامعه محسوب می‌شود. آسیبی که می‌تواند بهداشت روانی فرد و جامعه را تحت تاثیر قرار دهد. در این میان روند رو به افزایش آمار فرار دختران از خانه نگرانی‌هایی را به دنبال داشته است. پدیده فرار دختران پدیده‌ای چند علتی است که ریشه‌های آن را می‌توان در فقر، طلاق، جدایی‌های عاطفی والدین، رفاه و آزادی بیش از حد، تعرض جنسی اطرافیان، اعتیاد، شکاف بین نسل‌ها و اختلاف فرزندان و والدین جستجو کرد. در این مقاله به بررسی رابطه میان مهارت‌های اجتماعی و اعتماد به نفس با کاهش فرار از خانه دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر اصفهان پرداخته شده است. نتایج به دست آمده نشان داد که با افزایش اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی میزان فرار از خانه دختران کاهش می‌یابد. **واژگان کلیدی:** فرار از خانه، اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی، دختران نوجوان.

۱- دکترای مددکاری اجتماعی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر.

E-mail: iravani@iaukhsh.ac.ir

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.

E-mail: ebrahimi_aukh@yahoo.com

مقدمه

کودکان یا نوجوانان فراری کسانی هستند که حداقل یک شب بدون اجازه والدین خانه را ترک کنند. پدیده فرار دختران در سال‌های اخیر رو به فزونی نهاده است و توجه بسیاری از متخصصان، سیاست‌گذاران و اذهان عمومی را به خود معطوف ساخته است. فرار دختران به عنوان یکی از چالش‌های اجتماعی نیاز به مدیریت قوی اجتماعی در زمینه آسیب‌های اجتماعی دارد. بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت سالانه بیش از یک میلیون نوجوان ۱۹-۱۳ ساله از خانه فرار می‌کنند که از این تعداد ۷۴ درصد دختر و ۲۶ درصد پسر هستند (محمدخانی، ۱۳۸۶). پلیس روزانه ۹۰ نفر از جوانان فراری را که قربانی تجاوز و غیره شده‌اند دستگیر می‌کند، اکثر آنان در ترمینال‌ها ایستگاه‌های راه‌آهن، پارک‌ها و ... به سر می‌برند (رسول‌زاده طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۴). فرار نوعی رفتار سازش‌نا یافته است که در فرایند آن، کودک یا نوجوان به منظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود آگاهانه خانه را ترک می‌کند و سریعاً بدون واسطه به خانه بر نمی‌گردد (همان؛ هومر، ۱۹۷۳- به نقل از محمدخانی، ۱۳۸۶). با توجه به بکارگیری رویکرد انگیزشی در مورد دختران فراری انگیزه‌های آن‌ها را به دو نوع طبقه‌بندی می‌کند:

- فرار از وضعیت نامناسب خانواده، به عنوان مثال: تعارضات و اختلافات خانوادگی.

- فرار برای رسیدن به اهداف خاص، برای مثال: روابط عاشقانه و رمانتیک، گشت

و گذار، ارتباط جنسی و ...

هومر با رد این عقیده که رفتار فرار از خانه صرفاً واکنشی به تعارضات و کشمکش‌های خانوادگی یا فریاد برای کمک‌خواهی باشد، اظهار می‌دارد که بسیاری از کودکان صرفاً به دلایل خانوادگی فرار نمی‌کنند. نوجوانانی که برای رسیدن به هدفی اقدام به فرار می‌کنند ممکن است مشکلاتی با خانواده یا مدرسه و جامعه داشته باشند ولی بیشتر در جستجوی هیجان هستند. هومر این دختران را جستجوگران لذت

می‌نامد. آن‌ها به سوی مکان‌ها و افرادی فرار می‌کنند که از آن منع شده‌اند مانند روابط جنسی، مواد و مشروبات الکلی، و معمولاً جذب گروه‌های بزهکاری می‌شوند. در این رویکرد، توجه به خصوصیات شخصیتی به عنوان توضیحی برای رفتار فرار از خانه در نظر گرفته شده است که مهارت‌های اجتماعی و اعتماد به نفس از آن جمله‌اند.

اعتماد به نفس عبارت است از احساس ارزش‌مند بودن، این احساس از مجموعه افکار، احساس‌ها، عواطف و تجربیات‌مان در طول زندگی ناشی می‌شود و داشتن اعتماد به نفس سالم یک نیاز اساسی انسان است و چیزی است که ما پیوسته برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم. با این حال بعضی مردم هرگز به خودانگاره‌ای که بتوانند با آن احساس راحتی کنند نمی‌رسند و تا ابد زندگی‌شان بر اثر شک‌هایی که نسبت به خود دارند دستخوش ناراحتی و عذاب می‌شود. همه افراد صرف نظر از سن، جنس و زمینه فرهنگی و جهت و نوع کاری که در زندگی دارند نیازمند اعتماد به نفس هستند. نینوایی شرط رسیدن به شکوفایی را ارضای نیاز به عزت نفس و رسیدن به آن می‌داند. وی برای دستیابی به خوشبختی اعتماد به نفس را مهم می‌داند و می‌گوید: نیاز اصلی ما در زندگی داشتن (احساس خوب) در مورد خودمان است ما نیاز داریم از نظر جسمانی، فکری، احساسی و عاطفی انسان خوب و با ارزشی باشیم و چنین احساس انگیزه و محرک ما برای توفیق در انجام همه امور است که در زندگی به عهده می‌گیریم. چنین احساسی محرک ما برای زندگی است این احساسی که از آن به عنوان اعتماد به نفس یاد می‌کنیم نیازی قطعی و اساسی است و بدون دادن اعتبار و ارزش لازم به خودمان هرگز قادر نخواهیم بود که از احساس آرامش و آسایش درون خود، برخوردار شویم همه امیدها و آرزوهای ما بر اساس این نیاز اصلی استوار است و درجه خوشبختی ما در زندگی بستگی به ارضاء نیازها دارد (نینوایی، ۱۳۷۵).

انسانی که دارای حرمت نفس نیست به میزان فقدان آن خود را مجبور به کسب نوع کاذب آن می‌نماید تا با توسل به تصویر دروغین و بدلی آن چهره خود را بیاراید و با این حس ناامیدی و این باور که رو در رویی با جهان بدون برخوردارگی از حرمت نفس

به منزله بی‌پناه کردن و خلع سلاح خویش است که نهایتاً منجر به تخریب نفس می‌گردد خود را از نظر روانشناسی به طریق باطل و بیراهه سوق می‌دهد. انسان به چنین اعتماد به نفسی نیاز دارد زیرا شک در کارآیی آن‌چه سرمایه بقای اوست در حکم فلج کردن، متوقف کردن و محکوم به درماندگی و بیچارگی است که منجر به عدم صلاحیت و شایستگی او برای زیستن می‌گردد (الماسی، ۱۳۷۵).

در واقع پدیده فرار یکی از مبرم‌ترین فرآیندهای سوء رفتار و فقدان پایگاه سالم اجتماعی و توجه نکردن به تأمین نیازهای اولیه روانی و جسمانی دختران است. این معضل نوظهور نیست و در هر جامعه‌ای که به نوعی با آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها دست به گریبان است، بروز می‌کند و به دنبال انواع جرایم و انحرافات اجتماعی را یدک می‌کشد. ماهیت فرار را می‌توان نوعی ساز و کار اجتماعی یا نوعی واکنش حیات‌بخش و جبرانی خواند که آدمی برای نجات و رهایی خود از رنج به آن تن می‌دهد. پناه بردن نوجوان به خیابان‌ها به علت رهایی از رنج و آلام درون منزل را (کارل هونای) تضاد درونی فرد می‌داند. تضاد به این معنا که از یک طرف جوان خواهان استقلال و از طرف دیگر خواهان همبستگی است.

حل نشدن چنین تعارضی باعث می‌شود که او راهی جز فرار و مأمنی ایمن‌تر از آن نیابد. هرچند اگر نوجوان توان مقاومت را در خود می‌یافت که این دو را در محیط خانه و مدرسه تلقین کند تن به فرار نمی‌داد. فرار را می‌توان نوعی اختلال رفتاری دانست که در روابط با واکنش‌های سازگار خود را به صورت آشفته نشان می‌دهد (احدی و دیگری، ۱۳۸۲).

عزت نفس و اعتماد به نفس بالا در جوانان به استقلال و مستقل بودن آنان کمک شایانی می‌کند و در برابر شکست‌ها مقاوم می‌شود هیچ وقت نباید در برابر شکست جوان‌ها را سرزنش کنیم بلکه باید بفهمانیم که شکست مقدمه پیروزی است چون با این کار در واقع تیشه به ریشه جوان زده‌اید و در واقع عزت نفس او را کاهش داده‌اید (www.aftab.ir). نظریه پردازان زیادی در مورد اعتماد به نفس نظریه پردازی کرده‌اند که در ادامه به نظریات دور کیم مازلو و مرتن اشاره خواهیم کرد.

طبق نظریه مزلو (۱۹۶۵) همه افراد جامعه ما (به جز برخی از بیماران) به یک ارزشیابی ثابت و استوار و معمولاً عالی از خودشان احترام به خود یا عزت نفس و یا احترام به دیگران تمایل یا نیاز دارند. ارضای نیاز به عزت نفس به احساساتی از قبیل: حقارت، ضعف و درماندگی می‌شود. این احساسات به نوبه خود به وجود آورنده دلسردی و یاس اساسی خواهد شد و یا این که گرایش‌های روان‌نژدانه یا حیرانی را به وجود خواهد آورد. ارزشیابی ضرورت اعتماد به نفس بنیادی و درک این مطب را که مردم بدون آن چه قدر احساس درماندگی می‌کنند را می‌توان به آسانی از طریق مطالعه به دست آورد. در نهایت به نظر مزلو برای رسیدن به خود شکوفایی و راس هرم نیازهای مالی انسان که مهم‌ترین و بالاترین انگیزه در انسان است، ارضای نیاز سطح پایین، از جمله عزت نفس ضروری است (رضوی، ۱۳۷۲).

مهارت‌های اجتماعی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که قدرت سازگاری و رفتار مثبت و کارآمد را افزایش می‌دهند. در نتیجه شخص قادر می‌شود بدون این که به خود یا دیگران صدمه بزند، مسئولیت‌های مربوط به نقش اجتماعی خود را بپذیرد و با چالش‌ها و مشکلات روزانه زندگی به شکل مؤثر روبرو شود. و در پژوهش انجام شده این گونه مهارت‌ها توسط آزمون مهارت‌های اجتماعی از گروه نمونه سنجیده شده است که توسط نمره به دست آمده آزمودنی می‌توان پی به میزان این مهارت‌ها در وی برد.

محققان تأثیر مثبت مهارت‌های زندگی را در کاهش سوء مصرف مواد، استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های هوشی و شناختی، پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز، افزایش خود اتکایی و اعتماد به نفس و ... مورد تایید قرار داده‌اند. به ویژه در کاهش سوء مصرف مواد و نقش کلیدی مهارت‌های زندگی تاکید می‌شود. هم چنین آموزش این مهارت‌ها به عنوان یک روش عام پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی مورد تاکید بوده است. در مطالعه اسمیت (۲۰۰۴) نشان داده شد که آموزش مهارت‌های زندگی به طور قابل توجهی منجر به کاهش مصرف الکل و مواد مخدر در جوانان می‌-

گردد. اسمیت و گری (۲۰۰۵) نیز نشان دادند آموزش مهارت‌های زندگی اثر معنی‌داری بر توانایی‌های رهبری و مدیریت در جوانان دارد.

انواع مهارت‌های اجتماعی

سازمان بهداشت جهانی این مهارت‌ها را با عناوین ده گانه زیر مشخص نموده است که هریک از این مهارت‌ها رمز برخورداری و دانستن تمرین و به کارگیری هرچه بیشتر در زندگی روزمره است.

مهارت خودآگاهی

توانایی شناخت از نقاط ضعف و قوت خواسته‌ها، نیازها، رغبت‌ها و تصویر واقع‌بینانه از خود است تا حقوق فردی اجتماعی و مسئولیت‌های خود را بهتر بشناسیم با کسب این مهارت به سؤال اساسی «من کیستم» پاسخ می‌گوییم.

مهارت همدلی

همدلی یعنی این که فرد بتواند مسائل دیگران را حتی در آن زمانی که در آن شرایط قرار ندارند درک کنند و به آنها احترام بگذارند. این مهارت موجب می‌شود تا به دیگران توجه کرده و آن‌ها را دوست داشته باشیم و خود نیز مورد توجه و دوست داشتن دیگران قرار بگیریم و با ایجاد روابط اجتماعی بهتر به هم نزدیک شویم.

مهارت روابط بین فردی

مهارتی است که موجب می‌شود ضمن تقویت روحیه‌ی مشارکت اعتماد واقع‌بینانه و همکاری با دیگران بتوانیم مرزهای روابط بین خود و کسانی که دوست‌شان داریم را تشخیص داده و در جهت ایجاد روابط صمیمانه و دوستانه قدم برداریم هرچه زودتر به دوستی‌های نامناسب و ناسالم خود خاتمه دهیم پیش از آن که مورد آسیب جدی قرار بگیریم.

مهارت ارتباط مؤثر

کسب این مهارت به ما می‌آموزد برای درک موقعیت دیگران چگونه به سخنان آنان فعالانه گوش دهیم و چگونه دیگران را از احساس و نیازهای خود آگاه نماییم تا ضمن به دست آوردن خواسته‌های خود طرف مقابل نیز احساس رضایت نماید.

مهارت مقابله با استرس

دردنیای امروز همواره با تغییرات وسیع و پیچیده‌ای مواجهیم و هر تغییری با فشارهای روحی و روانی (استرس) همراه است. میزان استرس اگر بیشتر از حد و طولانی باشد بر زندگی و عملکرد ما تأثیر منفی گذاشته و مشکلات جدی و زیادی را برای ما به وجود خواهد آورد. فراگیری این مهارت به ما کمک می‌کند تا استرس‌های مخالف و اثرات آن را شناخته و راه‌های کاهش و یا مدیریت بر آن‌ها را کسب نماییم.

مهارت مدیریت بر هیجان‌ها

اگر بتوانیم مدیریت مطلوبی بر هیجان‌های خود مانند شادی، غم، خشم، یاس، اضطراب و ... داشته باشیم رویاها، خاطرات و ادراکات ما جان می‌گیرد. کسب این مهارت به ما کمک می‌کند تا ضمن شناسایی هیجان‌های خود و دیگران و تأثیر آن بر تفکر رفتارهای مان بتوانیم در مقابله با آن‌ها واکنش مناسب را از خود بروز دهیم.

مهارت حل مسئله

ما هر روز با مسائلی روبه رو هستیم که برخی ساده و برخی پیچیده‌اند. مهارت حل مسئله این توانایی را به ما می‌دهد که با توجه به تجارب علمی و توانمندی‌های خود بتوانیم در جهت «حل مسئله» با مشکل قدم برداشته و به نتیجه مطلوب دست یابیم.

مهارت تصمیم‌گیری

انسان در مسیر زندگی همواره نیازمند تصمیم‌گیری‌های مختلف است و موفقیت در زندگی در گرو تصمیم‌گیری درست و به جای اوست. مهارت تصمیم‌گیری به ما

کمک می‌کند تا با اطلاعات و آگاهی کافی با توجه به اهداف واقع‌بینانه خود از بین راه‌حل‌های مختلف بهترین راه‌حل را انتخاب کرده و به کار بگیریم و پذیرای پیامدهای آن نیز باشیم.

مهارت تفکر خلاق

فکر کردن مهارتی است که از کودکی می‌آموزیم. مهارت تفکر خلاق قدرت کشف و تولید اندیشه‌ای جدید را برای ما فراهم می‌آورد. مهارت تفکر خلاق به ما کمک می‌کند تا در مواجهه با حوادث ناگوار چه گونه احساسات منفی خود را به احساسات مثبت تبدیل کنیم. تفکر خلاق «نوع دیگر دیدن» است در این تفکر هیچ گاه مشکل یک عامل مزاحم به حساب نمی‌آید بلکه یک فرصت برای کشف راه حل‌های نو و بدیع تلقی می‌شود که تاکنون کسی به آن توجه نکرده است.

مهارت تفکر نقادانه

نوع دیگر از تفکر است، کسب این مهارت به ما می‌آموزد تا هر چیزی را به سادگی و در بست قبول یا رد نکنیم ابتدا در مورد آن موضوع سؤال و استدلال کنیم سپس بپذیریم یا رد کنیم. کسانی که از تفکر نقادانه برخوردارند فریب دیگران را نمی‌خورند و به راحتی جذب گروه‌ها و افراد و مواد مخدر نمی‌شوند چرا که همواره با سؤال کردن به عاقبت کار می‌اندیشند.

با مشخص شدن رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و اعتماد به نفس دختران فراری از خانه می‌توان تأثیر این مقوله را بر میزان فرار دختران از خانه را مشخص کرد و مسلماً پس از آن به این مسئله پی برد که به فرض مستقیم بودن رابطه مورد نظر با آموزش‌ها و پیشگیری‌های لازم چه گونه می‌توان با بالا بردن عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی در این افراد از جامعه مانع بالا رفتن آمار بیشتر آن‌ها گردید.

در این پژوهش این فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا بین میزان اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی دختران فراری رابطه وجود دارد؟

جامعه آماری

جامعه آماری، ۱۰۰ نفر از جوانان دختر (۱۸-۱۲) ساله شهر اصفهان بوده‌اند که به نوعی خانه خود را به قصد فرار ترک نموده‌اند به طوری که ترک این افراد به مدت یک روز یا بیشتر باشد.

نمونه آماری

در گروه آزمایش مورد نظر ۷۰ نفر از دختران فراری به روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه اعتماد بنفس کوپراسمیت: آزمون فوق پیش از همه در مجله روان‌شناسی فرانسه به چاپ رسیده است. در واقع خود این آزمون‌ها آزمون شده است. بدین ترتیب که سؤالات پس از پاسخ‌گویی تعداد زیادی آزمودنی تصحیح و ویرایش شده است. به علاوه روی صدها نفر از دو جنس و در همه شرایط بارها اجرا شده و به دین وسیله اعتبار و روایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین سؤالات باقی مانده چکش خورده، از ابهام‌ها به دور مانده به صورت کاملاً روشن توضیح داده شده است. اعتبار و روایی این آزمون‌ها در هیچ موردی کمتر از ۷۰٪ نبوده است.

آزمون مهارت‌های اجتماعی (TISS) یا سیاهمه مهارت‌های اجتماعی ایندر بیتزن و فوستر: این آزمون در سال ۱۹۹۲ طراحی شده است. نحوه ارزشیابی مهارت اجتماعی هر فرد توسط این پرسشنامه به این صورت است که اگر فردی نمره‌اش در بخش منفی به طور معناداری بالاتر از میانگین گزارش شده برای آن بخش باشد و یا در بخش مثبت نمره‌اش به طور معناداری بالاتر از میانگین گزارش شده برای آن بخش باشد و یا در بخش مثبت نمره‌اش به طور معناداری پایین‌تر از میانگین بخش مثبت باشد، حدس زده می‌شود که آن شخص دارای مشکلات اجتماعی (ناشی از نقص در مهارت‌های اجتماعی) است.

این پرسشنامه (TISS) در سال ۱۳۷۸ توسط امینی در سطح شهر اصفهان برای دانش‌آموزان دختر مقطع دوم راهنمایی، اعتباریابی شده که نتایج آن حاکی از این بوده است که بیست سؤال بخش مثبت دارای ضریب اعتباری ۰/۷۱ و بیست سؤال منفی، دارای ضریب اعتباری ۰/۶۸ به دست آمد (www.hooshazma.com).

نتایج و یافته‌های حاصل از فرضیات پژوهشی (آمار استنباطی)

بین میزان اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی دختران فراری ۱۸-۱۲ ساله شهر اصفهان رابطه مستقیم دارد.

جدول شماره (۱): ضریب همبستگی پیرسون بین میزان اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی		اعتماد به نفس	
۰/۴۱۷	۱	اعتماد به نفس	ضریب همبستگی
۱	۰/۴۱۷	مهارت‌های اجتماعی	
۰۰۰	۰	اعتماد به نفس	سطح معناداری
۰	۰۰۰	مهارت‌های اجتماعی	
۸۰	۸۰	اعتماد به نفس	تعداد
۸۰	۸۰	مهارت‌های اجتماعی	

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد ۲ مشاهده شده ($t=0/17 \sum 4$) در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است یعنی هرچه اعتماد به نفس بیشتر باشد مهارت‌های اجتماعی بیشتر است. جدول فوق روش به کار رفته در رگرسیون را نشان می‌دهد. متغیر مستقل اعتماد به نفس و متغیر وابسته مهارت‌های اجتماعی است و جدول فوق نشان می‌دهد متغیر اعتماد

به نفس به روش (Enter) وارد معادله شده است و با وارد شدن این متغیر ضریب تعیین (R^2) در جدول زیر به دست آمده است.

جدول شماره (۲): آزمون رگرسیون و ضریب تعیین

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	میزان خطای انحراف از برآورد
۱	۰/۴۱۷	۰/۱۷۴	۰/۱۶۳	۶/۴۳۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد متغیر ضریب تعیین یعنی اعتماد به نفس $R^2=۰/۴۱۷$ به دست آمده است و این مقدار نشان می‌دهد $۰/۴۱۷$ درصد تغییرات در مهارت‌های اجتماعی به اعتماد به نفس افراد مربوط است و بقیه به عوامل دیگر بستگی دارد.

جدول شماره (۳): تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون فرضیه اول

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	جمع مجزورات	مدل
...	۱۶/۴۲۷	۶۹۷/۰۷۳	۱	۶۹۷/۰۷۳	رگرسیون
		۴۱/۳۳۹	۷۸	۳۲۲۴/۴۷۷	باقیمانده
			۷۹	۳۹۰۳/۵۵۰	جمع

نتایج جدول تحلیل واریانس در فوق نشان می‌دهد F مشاهده شده $(F=۱۶/۴۲۷)$ در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود جدول تحلیل واریانس نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴): جدول بتا مربوط به نتایج اصلی رگرسیون فرضیه اول

سطح معناداری	t	طریق استاندارد ضرایب استاندارد شده			مدل	
		بتا	خطای استاندارد	B		
۰/۰۰۰	۷۰/۵۵۵		۲/۰۱۲	۱۴۱/۹۴۰	شیب خط	۱
۰۰۰	۴/۰۵۳	۰/۴۱۷	۰/۰۸۲	۰/۳۳۲	اعتماد به نفس	

در این جدول مقدار t ضریب رگرسیون نیز محاسبه شده است و سطح معنی‌داری آن در سطح آخرین ستون آمده است. نتایج آزمون t نشان می‌دهد t مشاهده شده در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است. به عبارتی اثر متغیر اعتماد به نفس در مهارت‌های اجتماعی مؤثر است و تأثیر آن در پیشگویی متغیر وابسته (مهارت‌های اجتماعی) قابل مشاهده است.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی نوجوانان در دوران بلوغ در شرایط خاصی بسر می‌برند هویت‌شان در حال شکل‌گیری است و در صدد حل بحران هویت خود هستند. در این شرایط اگر خانواده آن‌ها را مزاحم بداند یا غیرتحمیل به نظر برسند برای نجات خود به دنبال مأمّن و پناهگاهی می‌گردند و سرگردان می‌شوند کم‌تجربگی این نوجوانان باعث می‌شود که طعمه گروه‌های ضد اجتماعی یا آسیب‌زا شوند و پس از اغفال، ناخواسته بسوی فحشاء مواد مخدر و یا دیگر بزهکاری‌های اجتماعی کشیده می‌شوند.

نتایج پژوهش‌های خارجی نیز حاکی از آنند که عوامل بیرونی از جمله بدرفتاری والدین، فقر فرهنگی و اقتصادی، بحران خانواده، طلاق والدین مؤثرند. هم‌چنین اهمیت عزت نفس که به احساساتی از قبیل اعتماد به نفس و ارزش و مثر ثمر بودن ختم می‌-

شود در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفته شده و هم‌چنین باتوجه به داده‌های به دست آمده در مواردی چون اعتقاد به مناسک دینی در دختران عادی و فراری رابطه معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ مشاهده می‌شود و این موضوع که دختران فراری بیش از دختران عادی از قانون سرپیچی می‌کنند و کمتر از دختران عادی احساس امنیت دارند. بی‌تردید توجه به کنترل فرزندان در خانواده توسط اولیا به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عوامل در پیشگیری از گرایش افراد به بزه بوده و چه بسا که در صورت عدم توجه والدین به این مهم، پیامدهای ناگواری را برای فرزندان آنان در پی خواهد داشت که از نمونه‌های آن می‌توان به اعتیاد، فرار از منزل و ... اشاره کرد که هریکی از این موارد نیز دیگر جراثمی چون خرید و فروش مواد مخدر، سرقت، روابط نامشروع، گرفتاری در باندهای فساد و فحشاء و حتی جرائم خشن را به دنبال دارد.

منابع

- احدی، ح، و محسنی، ن، ج. (۱۳۷۱). مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی. تهران: انتشارات بنیاد.
- احدی، ح، فروغی ابری، ا، ع، و آقایی، ا. (۱۳۸۲). مجموعه مقالات بزه، دیدگاه‌ها و راهکارهای پیشگیرانه. تهران: چاپ اول.
- اشرفی، م، ر. (۱۳۷۲). دنیای جوان. انتشارات سپهر، چاپ دوم، ص ۳۶.
- استیفن، م. (۱۳۷۸). دیباجه‌ای به جامعه‌شناسی. انتشارات ققنوس، ص ۲۶۷.
- الماسی، م. (۱۳۷۵). بررسی رابطه اعتماد به نفس و انتخاب رشته تحصیلی در دانش‌آموزان پسر و دختر سال دوم نظام متوسطه. تهران: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۸۲). روش‌های افزایش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انجن اولیاء و مربیان، ص ۹۶-۹۷.
- حیدری، م. (۱۳۸۱). روانشناسی فرار از خانه. انتشارات مهر قائم.
- ستوده، ه، ا. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ اول.
- ستوده، ه، ا. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور، ص ۱۳۲ و ۸۶-۸۵.
- شامبیاتی، ه. (۱۳۷۳). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات کیان، ص ۲۶۷.
- شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۷۱). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ص ۱۲۶-۱۲۲.
- عمید، ح. (۱۳۶۵). فرهنگ سه جلدی. تهران: انتشارات سپهر، چاپ دوم، ص ۱۸۱۵.
- قائمی، ع. (۱۳۷۳). سازگاری و تربیت دختران. تهران: انجن اولیاء و مربیان، ص ۲۷-۲۴.
- مزلو، ا، ا. (۱۳۶۹). زمینه رانشناسی. تهران: انتشارات رشد، جلد اول، ص ۱۸۱.

- نینوایی، ژ. (۱۳۷۵). **اعتماد به نفس راه خوشبختی**. تهران: انتشارات ندای فرهنگ، چاپ دوم، ص ۱۱، ۱۳، ۲۱۸.
- ویلیام اسکید، م. (۱۳۷۳). **تفکر نظری در جامعه‌شناسی**. ترجمه: ع، م، حاضری و دیگران. تهران: انتشارات نی.
- اسمایلز، س. (۱۳۳۳). **اعتماد به نفس**. ترجمه: دشتی، تهران: چاپ ابن سینا.
- رسول‌زاده طباطبایی، ک، و همکاران. (۱۳۸۴). **بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیر فراری**. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۱۰.
- محمدخانی، ش. (۱۳۸۶). **عوامل روانی اجتماعی مؤثر در فرار دختران از خانه**. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.

WWW.jahannews

WWW.aftab.ir

WWW.tebyan-hamedan.ir

WWW.hooshazma.com